



اطلس عثمانی

اوایل سده بیستم

تألیف:

محمد نصرالله (بین‌المللی)، محمد رشیدی (قول آغاسی)، محمد اشرف (ملازم)

کوشش:

رحمی تکین، یاشا باش

ترجمه از ترکی استانبولی (تطبیق شده با متن عثمانی):

نصرالله صالحی

علی کاتبی

تهران، ۱۳۹۵





پژوهشکده تاریخ اسلام

«اطلس عثمانی اوایل سده بیستم»

نوشته محمد نصرالله (بین‌باشی)، محمد رشدی (قول آغاسی)، محمد اشرف (ملازم)

ترجمه نصرالله صالحی، علی کاتبی

ویرایش و مقابله: علی کاتبی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۵۶

۷۰۰۰۰ تومان

کتاب حفر ق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۸۸۶۷۶۱۶۱-۳ - نمابر: ۸۸۶۷۶۸۶۰

سرشناسه	: نصرالله، محمد Nasrullah, Mehmet
عنوان و نام پدیدآور	: اطلس عثمانی اوایل سده بیستم/ تألیف: محمد نصرالله (بین‌باشی)، محمد رشدی (قول آغاسی)، محمد اشرف (ملازم)؛ به کوشش رحمتی تکین، یاشار باش؛ ترجمه: نصرالله صالحی، علی کاتبی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۲ ص: مصور (رنگی)، جدول (بخشی رنگی)، نقشه (رنگی).
فروست	: پژوهشکده تاریخ اسلام؛ ۵۶.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۸-۲۸-۹.
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یادداشت	: عنوان اصلی: Memalik-i Mahruse-yi Şahane ye mahsus mükemmel ve mufassal atlas, 2003.
یادداشت	: این کتاب از متن ترکی استانبولی با عنوان "Osmanlı Atlası" به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ترکیه -- تاریخ -- امپراتوری عثمانی، ۱۲۸۸-۱۹۱۸ م. -- نقشه‌ها.
موضوع	: Turkey -- History -- Ottoman Empire, 1288-1918 -- Maps.
موضوع	: ترکیه -- جغرافیای تاریخی -- نقشه‌ها.
موضوع	: Turkey -- Historical geography -- Maps.
شناسه افزوده	: رشدی، محمد
شناسه افزوده	: Rüşdü, Mehmet
شناسه افزوده	: محمد اشرف.
شناسه افزوده	: Mehmet Eşref
شناسه افزوده	: صالحی، نصرالله، ۱۳۴۳ - مترجم.
شناسه افزوده	: کاتبی، علی، ۱۳۱۶ - مترجم.
شناسه افزوده	: پژوهشکده تاریخ اسلام.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵: ۶/۴: ۷۷: GA10
رده بندی دیویی	: ۹۱۲/۴۹۶۱:
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۲۹۳۱۷:

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیونده تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن - مازعاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و دایمه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های مرتبط به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، و جهت همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

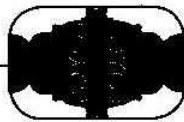
رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام



فهرست مطالب

مقدمه مترجمان	۹
پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۹
مدخل	۲۱
بخش اول، قسمت های اروپایی عثمانی ...	۲۳
بخش دوم، قسمت های آسیایی عثمانی ...	۷۵
بخش سوم، قسمت های آفریقایی عثمانی ...	۱۱۷
نمایه	۱۹۳





مقدمه منرجمان

در سال‌های اخیر شماری از پژوهشگران دانشگاهی و پژوهشگاه‌های دولتی و غیردولتی در زمینه‌های مختلف تاریخی و جغرافیایی، مقاله، کتاب و سایر نام‌ها تألیف و منتشر کرده‌اند. همچنین آثار متعددی نیز ترجمه و منتشر شده است. البته این حرکت علمی ارزشمند است، اما در واقع، مجموع آثار منتشر شده حاکی از توجهی یک بعدی به امپراتوری عثمانی است. بدین معنی که بیشتر این آثار معطوف به بررسی مسائل تاریخی و سیاسی است، و این تنها می‌تواند به کسب شناخت نسبی از امپراتوری عثمانی بینجامد. از این رو، کسب شناخت کامل و همه جانبه مستلزم پرداختن به جنبه‌های دیگر نظیر تاریخ و جغرافیای اقتصادی، اجتماعی، نظامی و نیز جغرافیای تاریخی این امپراتوری است.

جغرافیای سیاسی و تاریخی امپراتوری عثمانی از جمله حوزه‌های تقریباً ناشناخته ایران است. این در حالی است که در گذشته، محض نمونه در عصر ناصری به جغرافیای عثمانی کم و بیش توجه شده و آثار متعددی نیز در همین زمینه به فارسی ترجمه شده است. بی‌توجهی به جغرافیای عثمانی موجب بروز خلأ جدی در زمینه آثار مربوط به جغرافیای دولتی است که بیش از شش سده در جوار مرزهای ایران از قفقاز تا خلیج فارس حضور داشته است. این همجواری در برهه‌هایی از تاریخ موجب درهم‌تنیدگی جغرافیای دو سرزمین نیز شده است. جنگ‌های متعدد ایران و عثمانی در طول چند سده، گاه موجب دست به دست شدن مناطق وسیعی از قلمرو دو کشور شده و با انعقاد عهدنامه‌ها مرزهای دو کشور شناخته می‌شد و رسمیت پیدا می‌کرد. بنابراین، آگاهی از جغرافیای سیاسی و تاریخی امپراتوری عثمانی به عنوان یک دولت بزرگ در جهان اسلام نه تنها فی‌نفسه خوب و مفید است، بلکه در کنار آن می‌تواند به بالا رفتن آگاهی ما از این دولت رقیب در مرزهای شمال غربی و غربی نیز کمک مؤثری کند. درست به همین دلیل، کتاب حاضر برای ترجمه و انتشار به زبان فارسی انتخاب شد. این اثر جدای از اینکه اثری مرجع درباره جغرافیای تاریخی عثمانی است و می‌تواند در این زمینه به تقویت مطالعات عثمانی‌شناسی کمک کند، به دلیل اشمال بر بیش از هزار مورد اسامی جای‌ها/جایانام‌ها در حقیقت خود در حکم یک فرهنگ اعلام جامع تمام مناطق قلمرو امپراتوری عثمانی نیز به حساب می‌آید.

تا پیش از انتشار این اثر، هیچ منبع و مأخذ صحیح و مستندی در زبان فارسی وجود نداشت تا به کمک آن بتوان درستی یا نادرستی جایانام‌های امپراتوری عثمانی را تشخیص داد. خوشبختانه اثر حاضر نه تنها خلأ مزبور را جبران می‌کند، که خود به عنوان اطلسی جامع درباره جغرافیای تاریخی امپراتوری عثمانی می‌تواند در قلمرو مطالعات جغرافیای تاریخی بخش مهمی از جهان اسلام یعنی امپراتوری عثمانی نیز مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

اثر حاضر، ترجمه کتاب «اطلس عثمانی در اوایل سده بیستم»^۱ است که به کوشش رحمی تکین و یاشار باش به خط جدید/لاتین، در استانبول (۲۰۰۳) در قطع رحلی منتشر شده است. این اثر در واقع چاپ جدید و به‌روزشده کتاب ممالک محروسه شاهانه به مخصوص مکمل و مفصل اطلس (اطلس کامل و مفصل ممالک محروسه شاهانه) تألیف «بین‌باشی» (سرهنک) محمد نصرالله، «قول آغاسی» (سرهنک آجودان)، محمد رشدی و «ملازم» (ستوان) محمد اشرف است که در ۱۳۲۵/۱۹۰۷ با مجوز رسمی وزارت معارف، در ۲۱ حزیران (ژوئن) ۱۳۲۳ (به تقویم عثمانی) // ۱۹۰۷/۰۹/۰۳ و به شماره ۱۴۵/۲۶۴۵ به چاپ رسیده است. کوشندگان، کتاب را که به خط و زبان عثمانی بوده، در چاپ جدید به الفبای امروزی (لاتین) برگردانده، زبان آن را نیز کمی ساده کرده و در ضمن، پژوهش‌هایی نیز بر حسب ضرورت بر آن افزوده و همچنین در حدی که خواننده را مفید افتد، دخل و تصرف‌هایی برای اصلاح مطالب نموده‌اند.^۲

از داده‌های مؤلفان درباره پژوهش‌های خود، و از عنوان منصب‌هایی که داشته‌اند، برمی‌آید که از افسران سواره نظام عثمانی و از استادان جغرافیای نظامی بوده‌اند. یکی از مزیت‌های کار آنها ارائه نقشه‌های رنگی مجزا از تمام قلمرو عثمانی است. این نقشه‌ها چون در دوره عثمانی و به خط عثمانی چاپ شده کمک بسیار زیادی به شناخت درست جاینام‌ها در سراسر امپراتوری عثمانی می‌کند. خوشبختانه در چاپ جدید کتاب که به خط لاتین است، باز هم نقشه‌های متن عثمانی عیناً بدون کم و زیاد تجدید چاپ شده است. این نقشه‌ها، برای دانش‌پژوهان امروزی ترکیه که صرفاً با خط لاتین آشنا هستند، شاید مفید فایده نباشد، اما برای دانش‌پژوهان ایرانی بسیار سببمند و راه‌گشاست.

ترجمه حاضر از روی متن جدید که به کوشش رحمی تکین و یاشار باش در ۲۰۰۳ منتشر شده صورت گرفته است. البته بعد از ترجمه، با متن ترکی عثمانی نیز به سطر به سطر مقابله شده است. در ترجمه متون تاریخی و جغرافیایی عثمانی که از روی خط لاتین صورت می‌گیرد، بیشترین دشواری متوجه اعلام کتاب به ویژه جاینام‌هاست. با آنکه هنگام ترجمه به چند فرهنگ اعلام جغرافیایی عثمانی مراجعه شد،^۳ شمار زیادی از جای‌ها در این فرهنگ‌ها به دست نیامد، از این رو ضبط درست املای کلمات تقریباً ناممکن بود، به همین دلیل تلاش زیادی برای دسترسی به متن عثمانی صورت گرفت. بعد از چند ماه جستجو سرانجام به کمک یکی از دانشجویان دکترای تاریخ در استانبول، شناختن و دانستن متن pdf اطلس عثمانی از کتابخانه ایسام در استانبول تهیه و ارسال شد.^۴ بعد از دسترسی به متن عثمانی، ترجمه حاضر دو بار از آغاز تا پایان با متن عثمانی برابرخوانی شد تا تمام جاینام‌ها با همان ضبط دوره عثمانی آورده شود.^۵ درخصوص جاینام‌ها چند نکته ضروری است:

۱. املای جاینام‌ها در متون مختلف عثمانی، گاه به صورت‌های متفاوت ضبط شده است حتی در همین اطلس عثمانی نیز گاه یک جاینام به چند صورت آمده است. محض نمونه: قزل، قزیل، قیزیل؛ ایرماق، ایرما؛ ارغروم، ارزروم، ارزنة‌الروم؛ طربزون، طرابوزن؛ انقره، انقره؛ سنجق، سنجاق، سنجاغ؛ در ضبط این جاینام‌ها، اشکال گوناگون با خط مورب (/) از یکدیگر جدا و مشخص شده است.

1. *Osmanlı Atlası, XX.Yüzyıl Başları*, Binbaşı M. Nasrullah/ Kolağası M. Rüşdü/ Mülazım M. Eşref, Hazırlayanlar: Rahmi Tekin/ Yaşar Baş, OSAV, 2003, İstanbul.

۲. نگاه کنید به مقدمه کوشندگان که در ادامه آمده است.

۳. برای نمونه:

Tahir Sezen, *Osmanlı Yer adları* Ankara 2006.

۴. در همینجا لازم است از دوست عزیز جناب آقای اسدی که زحمت برقراری ارتباط و دریافت متن مزبور را کشیدند، سپاسگزاری کنیم.

۵. از آنجا که کتاب حاضر جدای از اینکه منبع مهمی درباره اصل عثمانی است، بعد از انتشار می‌تواند به عنوان منبع مهمی برای آگاهی از ضبط درست جاینام‌های عثمانی باشد، چنین دقت و تلاشی ضروری بود. متأسفانه بیشتر آثاری که راجع به امپراتوری عثمانی از انگلیسی یا ترکی استانبولی به فارسی ترجمه می‌شود، دارای غلط‌های زیادی در ضبط جاینام‌هاست. برای مثال نگاه کنید به کتاب ارزشمند «تاریخ معماری عثمانی» که دارای ده‌ها غلط در ضبط جاینام‌هاست.

۲. برخی از جاینام‌ها با اینکه املاي شان امروزه در زبان فارسی مرسوم نیست، باز هم برای حفظ اصالت متن به همان صورت قدیم آورده شد، منتها در ضبط بار نخست، معادل امروزی آن در داخل دو کمانک آورده شد. محض نمونه: آدریاتیک (آدریاتیک)، بالقان (بالکان)، دریای جزایر (اژه)، بحر سفید (مدیترانه)، بحر احمر (سرخ)، طونه (دانوب)، هرسک (هرزگوئین) و ...

۳. برای دسترسی آسان به جاینام‌ها و برابر لاتین آنها که در متن ترکی استانبولی آمده است، در انتهای کتاب نمایه‌ای از جاینام‌های عثمانی با برابره‌ای لاتینی تهیه شد. این نمایه از چند نظر دارای اهمیت است، یکی آنکه خود در حکم فرهنگ اعلام جغرافیایی امپراتوری عثمانی است و دیگر آنکه به هنگام برگرداندن آثار عثمانی از زبان‌های اروپایی یا ترکی استانبولی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۴. از آنجا که کتاب حاضر اساساً بر مبنای تقسیمات اداری دوره عثمانی تدوین و تنظیم شده و در آن بارها اصطلاحاتی نظیر «سنجاق»، «قضا»، «ایالت»، «ولایت» و غیره به کار رفته، در ادامه، مروری کلی بر تقسیمات اداری در امپراتوری عثمانی انجام گرفته است. این مرور برپایه منابعی است که در ذیل به آنها اشاره شده است.

۵. در ترکی عثمانی «نون» وجود دارد که نون غنه یا خیشومی است و به صورت «ک» نوشته می‌شود. هر جا کلمه‌ای با چنین نونی بوده هم به صورت عثمانی آورده شده و هم شکل ملفوظ آن داخل دو کمانک نوشته شده است؛ محض نمونه: دکر (دنیز)؛ بیک (بین)؛ پیکار (پیمار).

۶. کلمه «سنجاق» که یکی از اصطلاحات اداری عثمانی است، در متن ترکی به دو صورت «سنجاغ» و «سنجاق» آمده است. با این که در متون فارسی اغلب به صورت «سنجاق» آمده، اما در ترجمه حاضر این واژه به صورت «سنجاق» آورده شد.

در پایان گفتنی است که نویسندگان اطلس حاضر جان کهن و تاریخی «خلیج فارس» از تعبیر «خلیج بصره» که نامی است محلی، استفاده کرده‌اند. مترجمان، به جای آن از اصطلاح «بحر فارس» که در متون عثمانی نیز سابقه دارد استفاده کرده‌اند. نویسندگان عثمانی در دوره‌های مختلف در اشاره به خلیج فارس از تعبیر و اصطلاحات مختلفی استفاده کرده‌اند، نظیر: «عجم کورفزی»، «فارس کورفزی»، «بحر فارس»، «بحر ایران»، «ایران کورفزی»، «بحر هرمز» و ... از آنجا که تنها بندر دسترسی عثمانی‌ها به خلیج فارس، «بصره» بوده، لذا اصطلاح محلی «خلیج بصره» را به‌کار داده و به جای «خلیج فارس» استفاده کرده‌اند. باین حال، نقشه‌های مختلفی از دوره عثمانی باقی مانده که در آنها «بحرالعجم» و «بحر فارس» به کار رفته است. محض نمونه ابراهیم متفرقه (۱۶۷۴-۱۷۴۵) مؤسس نخستین چاپخانه با حروف سری در استانبول، در نقشه رسمی و دولتی عثمانی که در ۱۱۴۱/۱۷۲۹ منتشر ساخته، اصطلاح «بحر فارس» و «هرمز بوغازی» (تنگه هرمز) را به کار برده است.

مروری بر تقسیمات اداری در امپراتوری عثمانی

عثمانیان در هنگام فتوحات برای اداره هر یک از شهرهایی که فتح می‌کردند، بیگی (امیری) را تعیین می‌کردند. بنابراین، نخستین واحدهای اداری را «بیگ»ها تشکیل می‌دادند. سپس با تأسیس تشکیلاتی به نام «سنجاق»، اساس نظام اداری عثمانی بنا گذاشته شد. بنابراین، مملکت عثمانی از لحاظ تقسیمات اداری به واحدهایی به نام ایالت‌ها و سنجاق‌ها تقسیم می‌شد. گاهی به ایالت، ولایت هم گفته می‌شد. در ایالت‌ها؛ وزرا، بیگلربیگی‌ها و میرمیران‌ها و در سنجاق‌ها؛ میرلواها و بیگلربیگی‌ها حضور داشتند. بجز وزرا، به مابقی «امرا» گفته می‌شد.

با گسترش قلمرو عثمانی در روم‌ایلی و آناتولی، ۱۳۶۲/۷۶۳، ایالت روم‌ایلی با مرکزیت فلبه، و در ۱۳۹۱/۷۹۳ ایالت آناتولی با مرکزیت آنقره/ آنکارا تأسیس شد. با ادامه فتوحات و تأسیس ایالت‌های بیشتر، تعداد سنجاق‌ها نیز افزایش یافت. در زمان سلیمان قانونی تعداد ایالت‌ها به ۳۷ و تعداد سنجاق‌ها به ۳۷۷ رسید. در بعضی از سنجاق‌ها، واحدهای اداری به نام «متسلمک» و «ویودالک/ویودالک» نیز ایجاد شد. در دوره تنظیمات (محمود دوم) واحدهای اداری به سه قلمرو «ایالت»، «سنجاق» و «قضا»

تقسیم شد. «قضا» مرکز شهر یا قصبه‌ای بود که روستاهای اطراف از نظر اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی به آن وابسته بودند. درواقع با ترکیب روستاها، از نظر اداری و قضایی، واحدهایی به نام «قضا» تشکیل شد. قضات که منصوب مرکز و مسئول رسیدگی به مسائل شرعی و حقوقی قضاها بودند و «سوباشی/صوباشی»‌ها نیز که مسائل امنیتی را زیر نظر داشتند، نماینده دولت به شمار می‌رفتند. بنابراین، قضا یک واحد اداری بود که تحت تسلط قضایی-اداری قاضی قرار داشت. اداره روستاهایی که به قصبه، شهر و یا مرکز قضا وابسته بودند، زیر نظر قاضی صورت می‌گرفت. با وجود تشکیلات بیگلربیگلک، سنجاق اساسی‌ترین واحد اداری حکومت عثمانی بود. تقسیم‌بندی‌های مبتنی بر واحد سنجاق، تا قرن سیزدهم/نوزدهم در حکومت «عثمانی» ادامه پیدا کرد و آنگاه همزمان با تمایل حکومت به سوی غرب، در ۱۸۶۴/۱۲۸۱ نظام ولایتی رواج یافت. در ۱۸۷۰/۱۲۸۷ به نظام اداری، واحدی به نام بوجاق (بخش/ناحیه) نیز اضافه شد. بعد از اعلام جمهوری در ۱۳۰۳/۱۹۲۴ ش. ولایت‌ها بنا به شرایط کشور دوباره سازماندهی شد و در ۱۳۵۹/۱۹۶۰ ش. ۶۷ ایل (ولایت/استان)، ۵۷۲ ایلچه (قضا/شهرستان)، و ۸۸۸ بوجاق (بخش/ناحیه) ایجاد شد. امروزه شمار ایلچه‌ها افزایش یافته و تعداد ایل‌ها به ۸۱ رسیده است.

در پایان شایسته است از ریاست محترم پژوهشکده تاریخ اسلام و نیز سایر مسئولان به‌ویژه جناب آقای خلیل قویدل، مدیر انتشارات پژوهشکده و همچنین سرکار خانم مونا قهاری که صفحه آرایی کتاب را به زیبایی انجام داده اند و نیز سرکار خانم معصومه بیگلری که در تهیه نمایه همکاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی شود.

برای مطالعه بیشتر:

- اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰ (ج ۱).
- دورسون، داود، دین و سیاست در دولت عثمانی، ترجمه منوره حسینی و داود وفایی، تهران: وزارت ارشاد و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱.
- راسم، احمد، عثمانلی تاریخی، استانبول: اقبال کتابخانه سی و چهارم حسین، ۱۳۳۰-۱۳۲۸.
- Sezen, Tahir, *Osmanlı Yer Adları*, Ankara 20۰6.

نصراالله صالحی، علی کاتبی

فروردین ۱۳۹۲



پیشگفتار

امروزه، چه در کشور ترکیه، چه خارج از آن علاقه و حمایت خاصی به تاریخ عثمانی مشاهده می‌شود. اما متأسفانه، سهم تحقیقات و مطالعات در زمینه تقسیمات اداری یا جغرافیای تاریخی عثمانی، در این میان، بسیار ناچیز است، و همین دریافت، ما را بر آن داشت تا برای رفع این کمبود، به آماده‌سازی و چاپ کتابی که اینک در دست شماست همت بگماریم. امیدواریم کوشش ما بتواند در کار پژوهش جغرافیای تاریخی عهد متأخر عثمانی سهیم داشته باشد.

کتاب حاضر، چاپ جدید و به‌روزشده کتاب *ممالک محروسه شاهانه، مخصوص مکمل و مفصل اطلس* (اطلس کامل و مفصل ممالک محروسه شاهانه) تألیف «بین‌باشی» محمد نصرالله، «قول‌عاسی» حمد رُشدی و «مُلازم» محمد اشرف است که در ۱۹۰۷/۱۳۲۵ با مجوز رسمی وزارت معارف، در ۲۱ حزیران (ژوئن) ۱۳۲۳ (به تقویم عثمانی) ۱۹۰۷/۰۹/۰۳ و به شماره ۱۴۵/۲۶۴۵ به چاپ رسیده است. در این چاپ، ما آن را به الفبای امروزی (لاتین) برگردانید، زبانش را ساده کرده‌ایم و ضمن پژوهش‌های ضرور در صحت مطالب، در حدی که خواننده را مفید افتد، دخل و تصرف‌هایی نموده‌ایم.

از داده‌های مؤلفان درباره پژوهش‌های خود، و از عنوان منصب‌هایی که داشته‌اند، برمی‌آید که از افسران سواره‌نظام عثمانی و از استادان درس جغرافیای نظامی بوده‌اند؛ و «اطلس» آنان به ترکی عثمانی، در ۱۳۲ صفحه همراه با ۳۵ نقشه رنگی ولایات (استان‌های)، قلمرو عثمانی به چاپ رسیده است.

در این اطلس، نام بسیاری از جاها وجود دارد که در اوایل سده [چهاردهم] بیستم در محدوده ممالک عثمانی بوده و امروزه بیرون از مرزهای ملی ترکیه است. این نام‌ها ممکن است به صورت‌های گوناگون خوانده شوند. ما کوشیدیم که تلفظ درست آنها را مشخص کنیم. به منابع مراجعه کردیم، اما وقتی به مشکل برخوردیم، از افراد عالم و خبره بیگانه نیز که با جغرافیای آن نواحی آشنایی داشتند، یاری خواستیم. پیشینه طولانی خود ما در بایگانی اسناد نیز به دادم‌ان رسید. باوجود این، در پاره‌ای اسامی، اختلاف‌های قرائت اندک نبود. از این‌رو، در مورد اسامی معدودی از نواحی، هنوز در تردیدیم.

برای رفع دشواری‌های بر جای مانده، به برخی تألیفات راجع به موضوع (جغرافیای تاریخی) نیز سرزدیم که از آن جمله‌اند: قاموس الاعلام شمس‌الدین سامی (۶ جلد)؛ *ممالک عثمانیه تک‌تاریخ و جغرافیا لغتی* (فرهنگ تاریخ و جغرافیای ممالک عثمانی)،

اثر علی جواد؛ لغت تاریخیه و جغرافییه احمد رفعت؛ راهنمای اسامی اماکن؛ تدوین و نشر مدیریت کل آرشیوهای دولتی نخست‌وزیری؛^۱ «قانون‌نامه‌های عثمانی و تحلیل حقوقی آنها»، تألیف احمد آق گوندوز؛^۲ «تاریخ و جغرافیای روم‌ایلی عثمانی»، اثر پ. ل. اینجی‌جیان و ه. د. آندره آسیان؛^۳ «دولت و خاندان‌ها» (۵ جلد) و «تاریخ بزرگ ترکیه» (۱۲ جلد)، نوشته ییلماز اوزتونا؛^۴ «تقسیمات اداری دولت عثمانی و واگذاری ایالت و سنجاق در نیمه سده هجدهم»، اثر اورخان قلیچ؛^۵ «جزایر اسپوراد و تاریخچه آن (۱۲ جزیره)»، تألیف حبیب‌زاده احمد کمال ردوسی؛^۶ «سمت‌ها و صاحبان سمت در تشکیلات خارج از مرکز در سده هجدهم»، تألیف تونجر بایقرا؛^۷ و شمار زیادی از سالنامه‌های ولایات و نشریات، که منابع مورد مراجعه ما بود. مخصوصاً سالنامه ولایت در سال ۱۳۲۵ - یعنی سال انتشار اطلس - را به دقت بررسی کردیم. چون هر ولایتی در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ یک سالنامه منتشر کرده است، از شرح و تفصیل اینکه چه سالنامه از کدام ولایت‌ها را بررسی کرده‌ایم، می‌گذریم. هنگام بررسی، در مقایسه آگاهی‌های اطلس و سالنامه‌ها دقت بسیار به کار رفت. این مقایسه، شامل اسامی اماکن، تقسیمات اداری، جمعیت و مساحت آنها بود. و سرانجام به این نتیجه رسیدیم که اطلس حاضر، اثری در حد چکیده سالنامه‌های ولایت‌هاست.

نثر اثر را، با نهایت تلاش در حفظ کلمات و ساخت جملات به صورت اصلی، به نحوی ساده کردیم و به ترکی امروزی درآوردیم که درخور فهم همگان باشد، و کوشیدیم آن را به صورت مأخذه معتبر، به گنجینه منابع ترکی امروزی بیفزاییم. در انتقال ویژگی‌های رسم‌الخط عثمانی به ترکی امروزی، نهایت امانت را رعایت نمودیم.^۸

باید توجه داشت که در سال‌های نزدیک به چاپ این اطلس، تقسیمات اداری عثمانی دستخوش تغییرات سریعی بوده و در نتیجه اطلاعات راجع به آن نیز تغییر کرده است. بر پایه پژوهش‌های ما، معلومات اطلس درباره تقسیمات اداری ولایات و جمعیت و مساحت آنها، با آنچه در سالنامه‌های وقت یاد شده، اختلافات مختصری دارد.

به قرار معلوم، اطلس حاضر، که در ۱۱ شعبان ۱۳۲۵ // ۰۳ / ۰۹ / ۱۹۰۷ مجوز انتشار گرفته در اواخر سال و پس از انتشار سالنامه‌های ولایات، به چاپ رسیده است؛ در نتیجه، حاور، تغییرات در تقسیمات اداری و نظایر آن، تا تاریخ پیش از چاپ خود بوده است. منتها گفتنی است که به نوشته «سالنامه ۱۳۲۴ بنیاد» (ص ۱۹۸) در سرشماری آن سال، با حساب شدن کوچ‌نشینان و عشایر و قبایل و کشاورزان در آمار و یا حساب نشدن آنان و ارقام نتیجه تفاوت می‌کرد. از این دیدگاه، اطلس حاضر آخرین آگاهی‌های پیش از زمان چاپ خود را دربردارد؛ و این ویژگی، برای ارزیابی مطالب عرضه شده در اطلس، اهمیت زیادی دارد.

اطلس حاضر دارای سه بخش است: اول، تقسیمات اداری اراضی عثمانی در اروپا؛ دوم، تقسیمات اداری اراضی آسیایی؛ سوم، تقسیمات اداری اراضی آفریقایی. در این بخش‌ها، هر ولایت، سنجاق، امارت، دیار واحد دیگر، جداگانه، بررسی شده است. به دلیل کثرت اسامی موجود در متن، برای دسترسی آسان به آنها، در انتهای کتاب فهرست راهنمایی افزوده شده است.

بر پایه شیوه کاری که برای این اطلس انتخاب شده، ابتدا از مرزها، همسایگان، مساحت، جمعیت، هوا، شرایط اقلیمی، کوه‌ها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، بندرها، محصولات، تولیدات، صنایع و معادن، از درآمد آنها، به کوتاهی سخن رفته و سپس تقسیمات اداری آنها به صورت جدول داده شده است. در جدول‌ها، قضاها و ناحیه‌های تابع آنها آمده و درجه چندم بودن آنها همراه با نواحی و روستاهای وابسته‌شان ذکر شده است.

1. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Yer İsimleri Kılavuzu.

2. Ahmed Akgündüz, Osmanlı Kanunnâmeleri ve Hukûki Tahlilleri.

3. P. L. Inciciyan & H. D. Andreasyan, Osmanlı Rumelisi Tarih ve Coğrafyası.

4. Yılmaz Öztuna, Devletler ve Hanedanlar & Büyük Türkiye Tarihi.

5. Orhan Kılıç, 18. Yüzyılın İlk Yarısında Osmanlı Devleti'nin İdari Taksimatı Eyalet ve Sancak Tevcihati.

6. Habibzade Rodoslu Ahmed Kemal, İsporad Adaları ve Tarihçesi.

7. Tuncer Baykara, Osmanlı Taşra Teşkilatında XVIII. Yüzyılda Görev ve Görevliler.

۸. در اینجا بازچاپ کنندگان اطلس، درباره شیوه نوشتن کلمات عثمانی به الفبای امروزی ترکیه و تغییراتی که در آنها روی می‌دهد، توضیحاتی داده‌اند که صرفاً برای خوانندگان متن ترکی کاربرد دارد، لذا به جای توضیحات مزبور به جمله «نهایت امانت» اکتفا شد. مترجمان.

در انتهای هر جدولی، تعداد مجموع روستاهای موجود در محدودهٔ ولایت آورده شده و در پی جدول، از ساخت اجتماعی - اقتصادی شهرهای ولایت - ولو با جمله‌های کوتاه - سخن رفته است و بعد نقشهٔ رنگی ولایت، به صورت اصلی، یعنی به ترکی عثمانی، به آن افزوده شده است. این نقشه‌ها بدون تغییر در اندازه و با ابعاد اصلی خود، پیوست شده‌اند.

مهمترین مشکل دانشمندانی که دربارهٔ نقشه‌نگاری عثمانی پژوهش می‌کنند، نداشتن دسترسی به امکانات کافی برای بازنمایی وسعت و مساحت اراضی قلمرو عثمانی است. آثار ابداعی و غیرتقلیدی (اوریزینال) نقشه‌نگاری عثمانی، در نیمهٔ اول سدهٔ [دهم/] شانزدهم پدید آمد. باوجود این، در این زمینه، از «قطعه»‌ها یا اراضی و ناحیه‌ها، تنها نقشه‌های معدود و غیرتفصیلی در دست است. البته، بنابر ضرورت، تهیهٔ نقشه‌های نواحی زودتر آغاز گردید، اما نقشهٔ اراضی، تنها از طریق ترجمهٔ آثار غربی بود که شناخته شد. در اواخر سدهٔ [سیزدهم/] نوزدهم بود که انتشار نقشه و اطلس‌های ترجمه‌ای و چاپی رواج یافت. و چنین امری، این تصور را پیش‌آورد که گویا در این زمینه تنها غربیان کوشش نموده‌اند. البته این کوشش‌ها، در سال‌های بعد، در تهیهٔ نقشه‌ها و اطلس‌های نوین به مفهوم امروزی، کارساز آمد و زمینه‌های پژوهشی را فراهم ساخت. اما انتشار همین اطلس با نقشه‌های رنگی، نشان می‌دهد که در اواخر روزگار عثمانی، در زمینهٔ جغرافی و تقسیمات اداری، چه آگاهی‌های ارزنده‌ای به‌دست آمده بوده است. بدین سبب، اطلس حاضر، از دیدگاه جغرافیای تاریخی - سیاسی عثمانی و جهان، دارای ارزش بسیاری است.

خلاصهٔ مطلب، این‌که در اطلس حاضر، معلومات ارزنده‌ای دربارهٔ حدود ولایات عثمانی و جمعیت، اسامی جاها، تقسیمات اداری، موقعیت و ویژگی جغرافیایی منابع زیرزمینی و روی‌زمینی آنها، در محدودهٔ تاریخی مشخصی، عرضه گردیده است. این معلومات، با منابع قدیم و جدید مقابله و به‌طورجدید پژوهیده شده است. اثر دارای آگاهی‌های مهمی است که در تحقیقات تاریخی سرزمین‌ها، شهرها، ناحیه‌ها و دولت‌ها به‌کار می‌آید. آگاهی‌های اصیل و مهمی دربارهٔ ولایات، که بیشترین حجم اثر را دربرگرفته، بر ارزش آن افزوده است. از این دیدگاه، اثر حاضر می‌تواند منبع راهگشایی برای تاریخ‌نگاران، دانشجویان و علاقه‌مندان تاریخ باشد.

این اطلس که در اوایل سدهٔ [چهاردهم/] بیستم تألیف شده، در بردارندهٔ اسامی مکان‌هایی است که در آن زمان، در محدودهٔ طبیعی قلمرو حکومت عثمانی جای داشته است. بخشی از این مکان‌ها امروزه در محدودهٔ مرزهای ترکیه نیست، اما از سویی نیز جاهایی مانند قارص و اردهان که آن روزها جزو قلمرو عثمانی نبوده و امروز در درون مرزهای ترکیه است، در این اطلس جای گرفته است.

بر اثر سیاست جهان‌گشایانهٔ کشورهای غربی، پس از ربع دوم سدهٔ [سیزدهم/] نوزدهم، برخی از نواحی متعلق به عثمانی در آسیا و آفریقا به اشغال آن کشورها درآمد؛ اما دولت عثمانی این تصرفات را به رسمیت نداشت و لذا خود را مالک آنها می‌دانست. ازاین‌روی، در این اطلس، که در اوایل سدهٔ [چهاردهم/] بیستم تألیف شده، الجزایر، تونس و مصر، جزو قلمرو عثمانی شمرده شده است. چنین موضوعی، از اعتقاد به این که هنوز دولت عثمانی حاکمیت قانونی بر آنها داشته و سرزمین می‌گرفت.

از ولایت‌هایی که تا اوایل سدهٔ [چهاردهم/] بیستم، در محدودهٔ قلمرو عثمانی بودند و امروزه در درون مرزهای ترکیه جای ندارند، با اشارهٔ کوتاهی به تاریخی که رسماً از عثمانی تفکیک شده‌اند، می‌توان چنین یاد کرد:

سَلانیک: این شهر، که تا جنگ بالکان در حاکمیت عثمانی بود، طبق معاهدهٔ بخارست به تاریخ [۱۳۳۱/] ۱۹۱۲، به یونان واگذار شد.

مَناسْتِر: در [۷۸۴/] ۱۳۸۲، به دست غازی قره تیمورلش پاشا فتح شد و تا (۸ ذیحجه ۱۳۳۰) ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ که در جنگ بالکان، به تصرف صرب‌ها درآمد، مدت ۴۵۰ سال مداوم، زیر حاکمیت عثمانیان بود.

قُوصُوه: (امروزه: کوزوو) که مدت‌ها دستخوش شورش بود، سرانجام بر اثر همین ناآرامی‌ها در [۱۳۳۲/] ۱۹۱۳ از عثمانی منفک شد.

بوئنیه - هرسک: (امروزه: بوسنی هرزگوئین): در ۹ رمضان ۱۳۲۶ [۵ اکتبر ۱۹۰۸ به اتریش - مجارستان الحاق شد، و امروزه جزو کشورهای بالکان و جمهوری مستقلی است.

گرید: (امروزه: کرت): پس از جنگ بالکان در ۱۳۳۲ [۱۹۱۳ از اختیار حکومت عثمانی بیرون آمد و به یونان پیوست.

جزایر بحر سفید (مدیترانه): در جنگ طرابلس غرب (۱۳۳۰ [۱۹۱۱] ایتالیایی‌ها جزیره رودس را همراه با دوازده جزیره دیگر اشغال کردند، و یونانیان در جنگ بالکان (۱۳۳۱-۱۳۳۲ [۱۹۱۲-۱۹۱۳] جزایر ساقز، لُمنی و میدلی و جزایر دیگر را تصرف نمودند و در نتیجه این ایالت، به طور کامل، از دست عثمانی بیرون آمد.

یانیه: که در جنگ بالکان قهرمانانه از خود دفاع کرده بود، در ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ [۶ مارس ۱۹۱۳ تسلیم یونان شد.

اشقودره: در جنگ بالکان، از این ناحیه بسیار دفاع شد، اما بر اثر خیانتی، سرانجام در ۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ [۱۳ آوریل ۱۹۱۳، از حاکمیت عثمانی بیرون آورده شد.

بلغارستان: این سرزمین که تا سده [سیزدهم] نوزدهم زیر حاکمیت عثمانی بود و مردم آن از این جهت شکایتی نداشتند، به سبب گسترش فرایند ملی‌گرایی که در این زمان فراگیر شده بود، سر به شورش برداشت و در سال (۱۳۲۶) [۱۹۰۸، به صورت کشور مستقل بلغارستان درآمد.

ولایت روم‌ایلی شرقی: در پی مسائل و مشکلاتی که پیش آمده بود، این ولایت در ۱۳۲۶ [۱۹۰۸ از اختیار حکومت عثمانی درآمد به صورت بخشی، به بلغاریستان پیوست.

سوریه: پس از ۴۰۲ سال، که جزو قلمرو عثمانی بود، در ۱۳۳۷ [۱۹۱۸ از عثمانی جدا شد.

حلب: پس از جنگ جهانی اول، در ۱۳۳۷ [۱۹۱۸، به سوریه ملحق شد.

بیروت: پس از جنگ جهانی اول، در ۱۳۳۷ [۱۹۱۸، در نواحی زیر قیمومت فرانسه درآمد و بدین سان، از عثمانی جدا شد.

بغداد: در سال ۱۳۳۶ [۱۹۱۷، به تصرف انگلیسی‌ها درآمد و در ۸۶۲ سال، یعنی از زمان سلطان طغرل‌بگ/بیگ [۴۴۷] ۱۰۵۵ تا آن روز، که جزو قلمرو عثمانی بود، از آن جدا گردید.

بصره: با اشغال انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول، از اختیار عثمانی درآمد و در آن پس، انگلیسی‌ها از آن، به صورت پایگاهی برای تحرکات علیه عثمانی استفاده می‌کردند.

موصل: که سال ۹۲۲ [۱۵۱۶ به دست یاوز سلطان سلیم فتح شده و تا ۱۳۳۷ [۱۹۱۸ به مدت ۴۰۲ سال زیر حاکمیت عثمانی بود، از آن پس به تصرف انگلیس درآمد.

حجاز: شهر مکه در ۱۳۳۵ [۱۹۱۶ و مدینه در ۱۳۳۸ [۱۹۱۹ از قلمرو عثمانی خارج شد.

یمن: ترکان در ۱۳۳۷ [۱۹۱۸ یمن را کاملاً تخلیه کرده، حکومت آن را به امام یحیی زیدی سپردند.

جبل لبنان: در ۱۳۳۷ [۱۹۱۸ توسط انگلیس اشغال شد، و طی کنفرانس سان‌رمو^۱ به قیمومت کشور فرانسه درآمد.

قدس: که در ۹۲۲ [۱۵۱۶ به دست یاوز سلطان سلیم فتح شده و مدت ۴۰۱ سال متوالی زیر حاکمیت عثمانی مانده بود، باوجود مدافعه شدیدی که ترکان در ۱۳۳۶ [۱۹۱۷ از آن نمودند، در دسامبر ۱۹۱۷ به اشغال ارتش انگلیس درآمد.

امارت سیسام: سال ۱۳۳۲ [۱۹۱۳، طبق پیمان لندن، که به جنگ بالکان پایان داد، به یونان پیوست.

مصر: هنگامی که عثمانی در [۱۳۳۳/۱۹۱۴]، برضد انگلیس وارد جنگ شد، این دولت روابط آن را با مصر قطع کرد، و آنجا را موقتاً تابع خود ساخت، و طبق پیمان لوزان^۱ ترکیه مجبور شد در (۱۳۰۱ ش) ۱۹۲۳ مصر و سودان را به انگلیس واگذار نماید.

طرابلس غرب: این سرزمین که به مدت ۳۶۰ سال زیر حاکمیت عثمانی بود، در سال [۱۳۳۰/۱۹۱۱]، طی جنگی که میان ایتالیا و عثمانی در گرفت، به اشغال ناوگان دریایی ایتالیا درآمد.

تونس: در [۱۲۹۹/۱۸۸۱]، از طرف فرانسویان اشغال شد، اما دولت عثمانی این اشغال را تا پیمان لوزان به رسمیت نشناخت.

جزایر (الجزیره): فرانسویان در [۱۲۴۶/۱۸۳۰] شهر جزایر را اشغال کردند، اما تا مدت‌ها نتوانستند حاکمیت خود را در آنجا برقرار کنند. تنها پس از ۲۰ سال بر آن مسلط شدند.

به طوری که ملاحظه می‌شود، حکومت عثمانی، اراضی اروپایی خود را عموماً در اثنای جنگ بالکان، و اراضی آسیایی و آفریقایی‌اش را در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) یا پس از آن، از دست می‌دهد. این اراضی اغلب به تصرف انگلیس و فرانسه درمی‌آید.

در اینجا، با درخواست آموزش و رحمت از درگاه خداوند برای مؤلفان این اثر، محمد نصرالله، محمد رشدی و محمد اشرف، بر خود وظیفه می‌دانیم از استاد احمد گرندوز^۲؛ دکتر سعید اوزترک^۳؛ دانشیار دانشگاه؛ و نیز از پژوهشگران و دانشگاهیان خارجی، به‌ویژه، از آسما رمضان (از اردن)؛ انام القبا^۴؛ سودا^۵؛ مصطفی اسماعیل (تونس)؛ آنامیر کووا^۶ (بلغارستان) و سایر دانشوران که در تمام مراحل بازچاپ این اثر - از دقت در درس نظم نام‌های تا صفحه‌آرایی - بی‌دریغ یاری‌مان نمودند سپاسگزاری کنیم. همچنین از اعضای «بنیاد پژوهش‌های عثمانی»^۵ محمد امین شاهین، مصطفی وانلی، و عبدالله آق‌قلیچ و از همه استادان و دوستان و یاران، از جمله عمر قول و فؤاد رجب که در آوانویسی ادبی‌های، از نظریات ارزنده و یآوری‌های بی‌مضایقه‌شان بهره بردیم، از صمیم دل سپاسگزاریم. امیدواریم که این اطلس برای خوانندگان علاقه‌مند کارساز آید.

رحمی تکین، یاشار باش

استانبول، مه ۲۰۰۳

1. Lozan / Lausanne

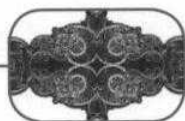
2. Ahmed Gündüz

3. Said Öztürk

4. Anna Mirkova

5. Osmanlı Araştırmaları vakfı

6. Kul



مقدمه

سخنی چند درباره علم جغرافی

علم جغرافی، که در میان شاخه‌های گوناگون علم ریاضی، جایگاه خاصی دارد، دانشی است که از مجموع حرکات و اوضاع زمین، خورشید، ماه و سایر کاینات و اندازه آنها در قیاس با یکدیگر بحث می‌کند. تحصیل این علم، علاوه بر افزودن دانش، درباره جهان خارج، در اقامه دلیل بر قدرت و عظمت صانع حقیقی نیز جایگاه مهمی احراز می‌کند.

می‌دانیم که این دانش، به ده شاخه تقسیم می‌شود: جغرافیای ریاضی، جغرافیای طبیعی و جغرافیای تاریخی، نظامی، کشاورزی، صنعتی، آماری، کشوری، عمومی و اختصاصی.

جغرافیای ریاضی: موضوع این شاخه از جغرافی، مطالعه حرکت عمومی اجرام موجود در فاصله زمین و خلأ جو (اتمافر) و اختلاف اندازه و حجم آنها نسبت به یکدیگر است. چنین موضوعاتی علاوه بر کتاب‌های نجومی، در آثار مربوط به جغرافیای ریاضی نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.

جغرافیای طبیعی: از تکوین کره زمین و اوضاع عمومی خشکی‌ها و آب‌های آن بحث می‌کند و در منابع عثمانی، از این موضوع با عنوان «علم طبقات ارض» و «جغرافیای طبیعی» یاد شده است. آثاری با این عناوین، جغرافیای طبیعی را به وجود آورده است.

جغرافیای تاریخی: موضوع این جغرافی، مطالعه مناسبات تاریخی حکومت‌های مختلف با یکدیگر، از آغاز آفرینش تا امروز، و تغییر و تحولاتی است که روی زمین با آن مواجه شده است.

جغرافیای نظامی: از کیفیت نقاط مناسب خشکی و دریا برای عملیات نظامی سخن می‌گوید. در این شاخه از جغرافی، تاکنون آثاری تألیف شده است.

جغرافیای کشاورزی: از انواع گیاهان روی زمین و از اراضی مناسب کشت و پرورش انواع رستنی‌ها بحث می‌کند. در این زمینه نیز آثاری وجود دارد.

جغرافیای صنعتی: دانشی است که موضوع آن، انواع گیاهان و جانوران قاره‌ها و بهره‌جویی صنعتی انسان از آنها و انواع صنایع و آثار صنعتی حاصل از این کوشش‌هاست. راجع به این موضوع، در کتاب‌های دیگر نیز سخن رفته است.

جغرافیای آماری: موضوع این جغرافی آماری انسان‌ها و جانوران و مقدار محصولی است که انسان‌ها و جانوران تولید می‌کنند؛ و چه مقدار آن در داخل کشور مصرف می‌شود و چه مقدار صادر می‌گردد. سالنامه‌های آماری، سرمشق‌های مناسبی برای کتاب‌های جغرافیای آماری هستند.

جغرافیای کشوری: علمی است که از اراضی متعلق به هریک از کشورهای جهان، و وضع عمومی کشوری و شیوهٔ اداری آنها گفتگو می‌کند.

جغرافیای عمومی: از اوضاع طبیعی و سیاسی عمومی همهٔ قاره‌ها، از هر لحاظ، سخن می‌گوید. در این زمینه، کتاب‌های بسیار تألیف شده است.

جغرافیای اختصاصی: از اوضاع طبیعی و سیاسی مختص به هر کشوری بحث می‌کند. در این شاخه از جغرافی، کتاب‌های بسیاری وجود دارد. اما اطلس و نقشه‌های شامل و مفصل در این زمینه اندک است.